

## سوء استفاده از امتیازات دولتی (از منظر حقوق کیفری اقتصادی)

### میثم ویسی ۱ و میثم نعمت الهی ۲

۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر کرد، ایران

۲ استادیار رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر کرد، ایران

نویسنده مسئول: میثم ویسی

#### چکیده

سوء استفاده از مقام و امتیازات در حقوق جزا صفت مشترک جرائمی است که یک مأمور دولت به تناسب سمت خود مرتکب می شود و در آن جرائم جنبه استفاده ناروا از سمت خود به ضرر مردم یا اموال عمومی دیده می شود. پیشینه این جرائم به اندازه ی تاریخ تشکیل دولت ها و اعطای اختیارات به مأمورین دولت است با این وجود میزان جرائم مرتبط با سوء استفاده مأمورین دولت و نحوه ی برخورد دستگاه حکومتی با این قبیل جرائم از دوره ای به دوره ی دیگر متفاوت بوده است. یکی از شایع ترین مصادیق سوء استفاده از امتیازات دولتی، جرایم مالی از جمله: اختلاس، ارتشاء، تصرف غیر قانونی در اموال و وجوه دولتی و... است که از منظر حقوق کیفری اقتصادی قابل پیگیری و کیفر می باشد. هرگونه اعمال و رفتاری که حیثیت و جایگاه اداری کارمندان دولت را خدشه دار کرده و موجبات نقض حقوق اشخاص و قوانین و مقررات را فراهم نماید تخلف اداری محسوب و مطابق با مواد ۸ و ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ قابل مجازات است. در این مقاله به صورت مبسوط مصادیق جرم سوء استفاده از مقام و امتیازات دولتی از منظر حقوق کیفری اقتصادی مورد شناسایی قرار گرفته و ابعاد حقوقی این جرم در حقوق کیفری ایران به ویژه در قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ و سایر قوانین تبیین شده است.

**واژه‌های کلیدی:** سوء استفاده، امتیازات دولتی، حقوق کیفری اقتصادی

## ۱. مقدمه

داشتن نظام اداری سالم همواره از اهداف اساسی دولت‌ها و نیز حکومت‌ها بوده است؛ چراکه وجود فساد در نظام اداری و سوءاستفاده صاحب منصبان و کارگزاران دولتی از جایگاه شغلی خود کارایی و مشروعیت آن‌ها و نیز حکومت را تهدید می‌کند. به همین منظور در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا از جمله ایران جهت برخورد با افراد خاطی راهکارهایی پیش بینی شده است. از سویی دیگر، امروزه با گسترش جوامع و نهادهای دولتی و در پی آن بر پایی هر چه گسترده تر، تشکیلات اداری مفاهیم سوء استفاده از اختیارات و جایگاه مأمورین چنین تشکیلاتی، همواره تهدیدی جدی در پیشبرد اهداف و برنامه های دولت به شمار می آید. معمولاً این مسأله پذیرفته است که دامنه ی معضل سوء استفاده از مقام و اختیارات از جرم های متداول، بسیار فراتر می رود. در یک تقسیم بندی می توان جرائم مربوط به این معضل را به دو دسته کلی تقسیم کرد: (۱) استفاده های مالی از جمله: اختلاس، ارتشاء، تصرف غیر قانونی در اموال و وجوه دولتی و...؛ (۲) سوء استفاده های غیر مالی از جمله: اعمال شکنجه، هتک حرمت مسکن غیر، بازداشت غیر قانونی، استراق سمع و نظایر آن .

در این نوشتار به بررسی جرایم از نوع اول پرداخت می شود. این جرایم که از آن با عنوان «جرایم اقتصادی» یاد می شود مشمول جنبه های کیفی اقتصادی است. جرایم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می کند و باید این دسته از جرایم با آیاست جنایی جامعی کنترل شود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب های عدیده، نسبت به نظام های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می کند درحالی که نظام حقوقی به ویژه حقوق کیفری ایران تبیین حصری تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرایم ندارد. اما سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که سوءاستفاده و تجاوز از حدود امتیازات چیست و آیا سوءاستفاده از امتیازات دولتی در حقوق ایران قابل بازنگری قضایی است؟ چه مصادیقی را می توان جزء سوءاستفاده از امتیازات مقام دولتی شمرده و مقام دولتی را به موجب آن، در محاکم اداری مورد بازخواست قرار داد؟ برای پاسخ به سؤالات مذکور در این مقاله به بررسی سوء استفاده از امتیازات دولتی از منظر حقوق کیفری اقتصادی پرداخته می شود.

## مفهوم سوءاستفاده از امتیازات

سوء استفاده دارای دو مفهوم لغوی و اصطلاحی می باشد که شرح داده می شود .

**مفهوم لغوی:** استفاده نادرست و نابجا از کسی یا چیزی (انوری، ۱۳۸۳، ص ۷۱۰)، بهره برداری بد و ناروا (معین ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۴۴)، سوء استفاده از مقام و قدرت در حقوق جزا صفت مشترک جرائمی است که یک مأمور دولت به تناسب سمت خود مرتکب می شود مانند هتک حرمت منازل از طرف مأمور دولت، اعمال جبر نسبت به افراد به مناسبت انجام وظیفه، گشودن نامه و محمولات پوستی در غیر موارد مجاز از طرف مأموران مربوطه (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۸). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، سوء استفاده از مقام را عبارت دانسته از سوء استفاده هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری ها (در هر رتبه و مقامی که باشند) از مقام خود در جهت جلوگیری از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد (شاملو احمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳).

**مفهوم اصطلاحی:** سوء استفاده اصطلاح عامی است که از حقوق فرانسه وارد فرهنگ ایران زمین شده است و هم در حقوق مدنی و هم در حقوق جزا مورد استعمال دارد. در واقع تصویب اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت در سال ۱۹۸۵ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد را باید نخستین سند بین المللی دانست که این پدیده را تعریف می کند. بر پایه مفاد پاراگراف هجدهم اعلامیه مزبور، سوء استفاده از قدرت را می توان به منزله فعل ها و ترک فعل هایی دانست که «هنوز نقض کننده قوانین کیفری داخلی نیستند، ولی هنجارهای شناخته شده بین المللی در زمینه حقوق بشر را نقض می کنند...» (رایجیان، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱).

عناصر تشکیل دهنده این مفهوم به شرح ذیل می باشد .

اول - بهره ور شدن

دوم- موضوعی که مورد استفاده (بهره وری) واقع می شود مانند :

۱. استفاده از حق خود مانند استفاده از حق مالکیت (ماده ۱۳۲ ق.م)
۲. استفاده از قدرت رسمی خود (سوء استفاده مأمورین دولت مانند هتک حرمت منازل در موارد غیر مجاز یا گشودن نامه های پستی توسط مأمور پست و ...)
۳. از حاجت غیر مانند استفاده از ضعف و ناتوانی سفیه یا حاجت صغیر
۴. از اعتماد دیگران مانند سوء استفاده از سفید مهری که به وی سپرده اند و درج مطالبی که برای صاحب سفید مهر زیان بخش باشد.

سوم- بهره ور شدن به ضرر غیر

چهارم - سوء نیت (=عمد) (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۸).

تعریف حقوقی: در حقوق ایران تاکنون تعریف دقیقی به نحو مفهومی و مصداقی از سوءاستفاده از اختیارات ارائه نشده است، به همین دلیل ناچار به مراجعه به حقوق سایر کشورها هستیم تا با بهره گیری از تجربیات ایشان بت وانی م به شناسایی مفهوم پرداخته و پس از آن، نهاد صالح برای رسیدگی به این امر را بیابیم. برای مطالعه تطبیقی به جستجوی این مفهوم در حقوق کامن لا می پردازیم. در حقوق کامن لا نیز تعریف دقیقی از سوءاستفاده ارائه نشده است اما در نوشته های حقوقی، با بیان مصادیق، به تعریف آن پرداخت هاند. برخی نویسندگان حقوقی بنا به نظر خود، فهرست طولیلی از مصادیق آن ارائه می دهند؛ درحالی که برخی دیگر، به دو یا سه مورد به عنوان مصادیق سوءاستفاده از اختیارات بسنده می کنند (شیرزاد، ۱۳۹۲، ص ۸۷؛ نجابت خواه، ۱۳۸۸، ص ۹۱).

بر طبق نظریات ایشان، رویه مجریان قانون همیشه حاکی از نقض شکلی آن و یا تجاوز از حدود اختیارات تفویضی قانون گذار نیست (شیرزاد، ۱۳۹۲، ص ۸۷)؛ حتی اگر تصمیم گیرنده دقیقاً مطابق با نص قانون عمل کند، هدف او ممکن است نامطلوب باشد یا به عوامل مرتبط بی توجهی کند یا تحت تأثیر عوامل غیر مرتبط قرار گیرد. بدین ترتیب اغلب، سوءاستفاده را انگیزه و موجبی به شمار می آورند که مقام عمومی را به دخالت دادن عوامل غیرمرتبط در تصمیم یا تعقیب اهدافی غیر از هدف قانون گذار وامی دارد و یا آن که موجب " غیرعقلانی " قلمداد کردن تصمیم می شود (نجابت خواه، ۱۳۸۸، ص ۹۳).

بر طبق تعاریف مختلف به نظر می رسد ارکان اساسی در سوءاستفاده از صلاحیت، چند مورد است: نخست، وجود صلاحیت برای مقام اداری بر طبق قانون برای عمل خاص؛ دوم، انجام عمل در محدوده صلاحیت برخلاف هدف قانون گذار و یا بدون در نظر گرفتن عوامل و ملاحظات مدنظر قانون گذار و سوم، عنصر سوءنیت عام به معنای وجود علم و عمد به مسأله؛ بدین معنا که مقام صلاحیت دار علم دارد که هدف قانون گذار چه بوده و با عمد، عملی خلاف آن را مرتکب می شود و به خلاف بودن عمل خود نیز علم دارد. به نظر می رسد وجود رکن روانی است که سوءاستفاده از اختیارات را از اعمال مشابه مانند اشتباه متمایز می سازد (رجوع شود به: بarentt<sup>1</sup>، ۲۰۰۷، ص ۷۶۶) زیرا در اشتباه، علم و عمد وجود ندارد، اما برخلاف نظر برخی که معتقدند در سوءاستفاده، عمل، تحت تأثیر انگیزه های درونی مثبت یا منفی یا با استنباط نادرست از قانون مانند تصمیم گیری از روی حب و بغض، به منظور انتقام جویی، کینه توزی، اخاذی، جلب سود برای خود یا دیگران صورت می گیرد (نجابت خواه، ۱۳۸۸، ص ۹۲)، باید گفت انگیزه مثبت یا منفی در این زمینه دارای اهمیت چندانی نیست و مقام اداری می تواند با هر انگیزه اعم از انگیزه خیرخواهانه مانند کمک به دیگران، در نظر گرفتن نفع عمومی جامعه یا انگیزه منفی، مرتکب سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری شود.

### سوءاستفاده از امتیازات در حقوق ایران

همان طور که بیان شد در حقوق ایران مفهوم سوء استفاده از امتیازات به صراحت مورد تعریف و بررسی قرار نگرفته و مصادیق و اجزای آن شناسایی نشده است اما در برخی قوانین، مانند قانون مجازات اسلامی این عمل جرم انگاری شده و در برخی

<sup>1</sup> - Barentt

دیگر از قوانین مانند قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و قانون رسیدگی به تخلفات اداری، از مصادیق تخلف مقام اداری شمرده شده است.

### الف) شایع ترین سوء استفاده از امتیازات دولتی در حقوق ایران

در همین راستا به منظور تنویر موضوع از یک سو و جلوگیری از بروز اعمال مجرمانه و کاهش آنها در سازمانها و ارگانهای دولتی از سوی دیگر اهم تخلفات اداری که واجد جنبه جزایی می باشد به استناد قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین ذیلاً عنوان می گردد:

ایراد تهمت و افتراء، هتک حیثیت (ماده ۶۰۸ ق.م.ا. مندرج در فصل ۱۵ قانون مذکور تحت عنوان هتک حرمت اشخاص و همچنین مواد ۶۹۷ الی ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی مندرج در فصل ۲۷ تحت عنوان افتراء، توهین و هتک حرمت)؛ اخاذی: (ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی)؛

اختلاس (مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام)؛

تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیراداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص (ماده ۶۰۵ ق.م.ا.)؛

تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی، ایراد خسارات به اموال دولتی (قسمت اخیر ماده ۵۹۸ ق.م.ا.)؛

افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری (ماده ۲ قانون انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹)؛ ارتباط و تماس غیرمجاز با اتباع بیگانه (ماده ۵۰۸ ق.م.ا.)؛

سرپیچی از اجرای دستورهای مقامهای بالاتر در حدود وظایف اداری (ماده ۵۷۶ ق.م.ا.)؛

سهل انگاری رؤسا و مدیران در ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت امر (ماده ۶۰۶ ق.م.ا.)؛

ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری (ماده ۵۴۰ ق.م.ا.)؛

گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در عرف رشوه خواری تلقی می شود (ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۶۰۰ ق.م.ا.)؛

تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را دارند (ماده ۶۰۴ ق.م.ا.)؛

رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی (ماده ۶۳۸ ق.م.ا.)؛

اختفاء، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر (ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحات و الحاقات آن در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹)؛

استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر (ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحات و الحاقات آن در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ و تبصره های ماده مذکور)؛

هر نوع استفاده غیرمجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی (ماده ۵۹۸ ق.م.ا.)؛

جعل یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی (مواد ۵۳۲ و ۵۳۴ ق.م.ا.)؛

دست بردن در سؤالات، اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سؤالات امتحانی یا تعویض آنها (ماده واحده قانون مجازات افشای سؤالات امتحانی مصوب ۱۳۴۹/۳/۱۷)؛

سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری (مواد ۵۷۶ و ۵۸۱ ق.م.ا.)؛

توقیف، اختفاء، بازرسی یا بازکردن پاکتها و محمولات پستی یا معدوم کردن آنها و استراق سمع بدون مجوز قانونی (ماده ۵۸۲ ق.م.ا.).

**ب) سوءاستفاده از اختیارات مقام اداری در حقوق کیفری اقتصادی**

در قوانین جزایی ایران، دو ماده در خصوص سوءاستفاده از اختیارات سخن گفته اند. در ماده ۵۷۶ قانون تعزیرات و اقدامات تأمینی، سوءاستفاده تحت شرایطی می تواند جرم تلقی شده و مشمول مجازات قرار گیرد. براساس ماده ۵۷۶ ق.م.ا: «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری ها در هر رتبه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهردار بپا در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد، جلوگیری نماید به انفسال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

با توجه به عنصر قانونی مذکور و بیان مفهوم سوءاستفاده از اختیارات به نظر می رسد منظور از سوءاستفاده در ارتکاب جرم به قصد و انگیزه مرتکب بر می گردد و باید حداقل عنصر روانی سوءنیت عام را در این زمینه برای مرتکب لازم دانست تا جرم وی محقق شود و بر مبنای نظریات خطر و تقصیر، دارای مسئولیت جزایی شمرده شده است. همچنین باید وجود هدف مغایر با هدف قانون یا ملاحظات نامربوط یا عدم لحاظ ملاحظات مرتبط مورد بررسی قرار گیرد که با توجه به عنصر قانونی این جرم، باید در نظر داشت سوءاستفاده از مقام به منظور جلوگیری از اجرای قوانین و اوامر دولتی و احکام محاکم قضایی در این باره لحاظ می شود. از سوی دیگر تحقق عنصر مادی نیز در این زمینه اهمیت دارد، یعنی تحقق جرم منوط به اجرا نشدن قانون یا حکم مقام قضایی است والا اگر فعل یا ترک فعل مأمور و مستخدم دولتی در جلوگیری از اجرای قانون یا حکم مقام قضایی تأثیری نداشته باشد، جرم ماده ۵۷۶ تحقق نخواهد یافت.

علاوه بر این ماده که به صراحت جرم سوءاستفاده از اختیار مقام دولتی را بیان نموده، مواد دیگری را نیز در قانون مجازات می توان یافت که با توجه به تعریف سوءاستفاده و مصادیق آن، می توانند مصداق سوءاستفاده از اختیار مقام دولتی باشند اما قانون گذار به طور خاص، به جرمانگاری آن پرداخته است. از جمله مواردی که با اخفا و معدوم کردن اسناد و مدارک دولتی نیز بی شباهت نیست، ماده ۶۰۴ قانون تعزیرات است. ماده ۶۰۴ ق.م.ا. مأمورین دولتی ای را که اقدام به مخفی کردن اوراق سپرده شده به آنان می کنند را مستحق مجازات دانسته است تا اسناد و اوراق و مدارک دولتی را مورد حمایت ویژه قرار دهد. ماده مزبور بیان می دارد: «هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری نوشته ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آن ها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

در ماده مذکور نیز وجود عنصر مادی لازم است و چنانچه مأمور عمداً اقدام به مخفی یا معدوم کردن نمایند مستحق مجازات می باشد. بدیهی است در صورتی که عمد احراز نشود مرتکب صرفاً مستحق جبران خسارت خواهد بود. جرم انگاری این عمل نیز به نظر می رسد به عنوان یکی از مصادیق سوءاستفاده از اختیار مقام دولتی به دلیل انجام عمل مغایر هدف قانون گذار همراه علم و عمد است. با توجه به صراحت دو ماده مذکور در بیان جرم سوءاستفاده از اختیارات و جرم اخفا و معدوم کردن اسناد و مدارک دولتی به عنوان مصداق سوءاستفاده با جرم انگاری خاص، به نظر می رسد با احراز سوءنیت و عنصر معنوی و ارکان سوءنیت در مصداق خاص، می توان جرم مذکور در پرونده را بر طبق مواد مذکور، در صلاحیت دادگاه کیفری دانست.

در حقوق اداری ایران بنابر ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، یکی از جهات کنترل قضایی در نظام حقوقی ایران، سوءاستفاده از اختیارات است. همچنین در قانون رسیدگی به تخلفات اداری، سوءاستفاده از مقام اداری در بند ۳۰ ماده ۸ به عنوان تخلف اداری<sup>۲</sup> به شمار آمده که در صورت احراز، موجب مجازات اداری می شود. حال سؤال دیگر آن است که آیا افراد می توانند از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و مأمورینی که به دلیل سوءاستفاده از اختیارات یا مصادیق آن صادر شده بر طبق ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰، نزد شعب دیوان

<sup>۲</sup> - ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری: «تخلفات اداری به قرار زیر است:

۱.....

۲ سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری»

اقامه دعوا نمایند و خواستار رسیدگی به سوءاستفاده از اختیار مقام اداری شوند؟ در پاسخ باید گفت، در ماده ۱۰ به طور اعم رسیدگی به شکایات و تظلمات بیان شده و سبب شکایت تصریح نشده است. به همین دلیل به نظر می رسد سبب شکایت می تواند د هر امری باشد که شامل سوءاستفاده از اختیار مقام اداری و مصادیق آن شامل اهداف نامناسب، ت وجه به عوامل نامرتبط، عدم توجه به عوامل مربوط و ... می شود. از سوی دیگر در صدر ماده ۱۱ این قانون آمده: «در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد...». تضییع حقوق اشخاص مشترکاً در ماده ۱۲ نیز استفاده شده و یکی از مصادیق آن را نیز سوءاستفاده از اختیارات دانسته است که هیأت عمومی دیوان، صالح رسیدگی به آن است، به همین دلیل می توان گفت در ماده ۱۰ و ۱۱ نیز مصادیق اقدام و تصمیم موجب تضییع حقوق اشخاص می تواند سوءاستفاده از اختیارات باشد و شعب دیوان، صلاحیت رسیدگی به این امر را دارند.

### ۱. فساد مالی (تحصیل مال نامشروع) مهم ترین مصادیق سوء استفاده از اختیارات دولتی در حقوق کیفری اقتصادی

مهم ترین مصادیق فساد مالی ناشی از اثر سوء استفاده از اختیارات دولتی که در قوانین حقوق کیفری اقتصادی به آنها اشاره شده و مورد جرم انگاری قرار گرفته اند را می توان در مواردی چون «رشوه، اختلاس و کلاهبرداری، اخذی، پارتی بازی و خویشاوندگرایی، اخذ پورسانت و پولشویی» خلاصه نمود (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۶، ص ۱۲؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴؛ هومو، ۱۳۸۲، ص ۳۳۲؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۶؛ لانگست و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۲۲؛ معظمی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). همچنین با بررسی آثار فقهی می توان دریافت که اگرچه در کلام فقها به صراحت سخنی از فساد مالی به میان نیامده لکن برخی از مصادیق آن از قبیل رشوه مورد جرم انگاری قرار گرفته است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۲۷، ص ۲۲۳؛ انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱، ص ۲۴۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۲۷، ص ۲۸).

غالباً در حقوق ایران، بر اساس ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، در جرائم علیه اموال، از جرمی تحت عنوان «تحصیل مال نامشروع» یاد می شود. مطابق این ماده «هر کس بنحوی از انحاء امتیازاتی راکه به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض میگردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته میشود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهائی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا بطور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال بدست آمده محکوم خواهد شد». حسب ظاهر ماده ۲ قانون مورد بحث عدهای معتقدند: هر کس به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مرتکب جرم تحصیل مال نامشروع و مشمول این ماده شده و میتوان او را به مجازات مذکور در آن ماده محکوم کرد (درویش، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴). در حالی که باید توجه داشت قانونگذار در جرم انگاری هر رفتاری، نظم اجتماعی و حفظ آسایش عمومی در زمان تصویب را در نظر دارد. مقنن در نظر دارد اشخاصی که بموجب یک موقعیت و از طرف یک مقام دولتی اختیاری را بدست میآورند از آن مقام سوءاستفاده نکنند و اعتماد دولتو نهادهایی که به آن ها این اختیارات و امتیازات را داده است حفظ کند تا در امور اجرائی کشور خدشه ای وارد نشود و بالعکس. در زمان وضع این قانون در سال ۱۳۶۷ که مقارن با جنگ بود و اقتصاد کشور مشکلات فراوان داشت قانونگذار خواسته است امتیازاتی که به بعضی اشخاص برای کمک به جامعه و برای باز کردن گره ای از مشکلات وقت جامعه داده میشد مورد سوء استفاده این اشخاص که دولت به آنها اعتماد کرده و به آنها امتیاز داده است، واقع نگردد. از آنجا که جرم شناختن عمل فلسفه دارد و جرم ماهیئاً عملی است که ناقض نظم عمومی است نه ظاهراً عملی که قانون پیش بینی کرده است و پیش بینی عملدر قانون شکل آن است. پس باید این سوال را پرسید که چرا خرید و فروش امتیازات موضوع قانون جرم است؟ در پاسخ باید گفت که وقتی جهت صادرات یا واردات جوازی صادر می شود به این خاطر است که در اقتصاد مملکت نتیجه ای مثبت حاصل شود لذا چنانچه به جای صادرات یا واردات این امتیازات خرید و فروش شوند باعث بورس بازی و تلف شدن سرمایه ملی و رکود و بیکاری می گردد. به همین خاطر قانون گذار خرید و فروش جواز صادرات و واردات را ممنوع کرده است (آزمایش، ۱۳۸۶، ص ۳۷). لذا عبارت «به طور کلی

مالی یا وجهی را تحصیل کند» را باید بدین صورت تفسیر کرد که منظور از آن اشاره به موارد تحصیل وجه یا مالی از سوی همان اشخاص خاص برخوردار از امتیازات دولتی مذکور در صدر ماده به روشی غیر از روش های مندرج در صدر ماده می باشد. در حقوق ایران هر چند خاستگاه اصلی جرم انگاری تمام جرائم علیه اموال آیات شریفه مزبور و قاعده کلی ممنوعیت اکل مال به باطل است. چون در منابع اسلامی، به موازات تأکید بر اصل تحقق عدالت اجتماعی و نقش آن در حیات سالم و رسیدن انسان به کمال، بر بهره گیری صحیح از اموال، به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف، تأکید شده است و حرکت‌های ناسالم اقتصادی و اجحاف ها و برخوردهای ظالمانه و دغل کارانه و اکل مال به باطل مردود است (اسماعیلی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸). ولی هر کدام از جرائم علیه اموال مبنای خاص خود را دارد و مبنای جرم مورد بحث همانند جرایم موضوع قوانین مصوب ۱۳۳۷ و ۱۳۶۷ اخیر الذکر، حفظ نظم اجتماعی و به عنوان یک راه حل اقتصادی جلوگیری از تورم و بورس بازی کاذب در شرایط بحرانی سال های آخر جنگ بوده است. لذا این ماده نمی تواند صرفاً مبنای کاملاً شرعی داشته باشد و در واقع مذاق قانونگذار سخت گیری بیشتر در خصوص اشخاصی است که به نوعی نماینده دولت تلقی و مردم و دولت به آنها اعتماد نموده اند.

قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام در بند ج ماده ی یک، جرم تحصیل مال نامشروع را به عنوان یکی از جرائمی که پرسنل اداره های عمومی گریبانگیر آن می شوند تلقی نموده و یکی از اهداف قانونگذار از این قانون را پیشگیری از چنین جرمی قرار داده است که این خود مبین ارتباط آن جرم با ادارات و شرایط و امتیازات اعطایی از جانب آنها به مرتکب می باشد و بر این امر دلالت دارد که تحصیل مال نامشروع غالباً با یک وظیفه مربوط به آنها به مرتکب می باشد و بر این امر دلالت دارد که تحصیل مال نامشروع غالباً با یک وظیفه مربوط به ۸ از قانون تشدید مجازات...مقرر نموده است که: «کلیه دستگاه هائی که شمول قانون نسبت به آن ها مستلزم ذکر نام است مشمول این قانون خواهند بود...». که این خود مبین چنین ارتباطی میان جرایم موضوع قانون با دستگاه های دولتی است.

در همین راستا باید بیان داشت هرگونه اعمال و رفتاری که حیثیت و جایگاه اداری کارمندان دولت را خدشه دار نموده و مآلاً موجبات نقض حقوق اشخاص و قوانین و مقررات را فراهم نماید، تخلف اداری محسوب و مطابق با مواد ۸ و ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ قابل مجازات است.

## ۲. عناصر جرم «تحصیل مال نامشروع» موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷

با لحاظ ماده قانونی بحث به عنوان رکن قانونی این جرم، دیگر عناصر این جرم را می توان تحت عناوین مرتکب جرم، رفتارمادی (تحصیل)، موضوع جرم (مال)، نامشروع بودن، تفویض اختیار از سوی دولت و رابطه علیت میان تقلب و تحصیل مال و نتیجه ی جرم به عنوان عناصر رکن مادی جرم تقسیم و بحث کرد.

**مرتکب جرم:** ماده ی ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ از سه قسمت تشکیل شده است: قسمت اول ماده را می توان، ناظر به جرمی تحت عنوان در معرض خرید و فروش قرار دادن یا سوءاستفاده کردن از امتیازات توسط اشخاص- که به جهت داشتن شرایط ویژه امتیازاتی به آنها تفویض شده است- دانست. قسمت دوم ماده را می توان، ناظر به جرمی تحت عنوان تقلب در توزیع کالا توسط اشخاصی که ملزم شده اند طبق ضوابطی آن کالاها را توزیع نمایند، در نظر گرفت. بالأخره قسمت سوم ماده را می توان، مشتمل بر جرمی تحت عنوان عام «تحصیل مال نامشروع» دانست که توسط همه اشخاص- اعم از اشخاص مندرج در صدر ماده و غیر آنها قابل ارتکاب است.

ماده مذکور همانند موادی از قبیل ماده ی ۲ قانون مجازات عاملین متخلف در امر حمل و نقل کالا مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ و ماده ی ۵ قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری، شهرداریها، مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹، فقط اشخاصی که از مقام و امتیاز خود و از اعتمادی که نسبت به آنها شده است سوء استفاده کنند و مرتکب تخلف شوند و در نتیجه ی آن، مال غیرمشروع را تحصیل کنند مشمول این حکم قرار می گیرند نه اینکه ماده مذکور ناظر به همه اشخاص باشد که به هر طریقی مال غیر مشروعی را تحصیل کنند.

## رکن مادی جرم

**رفتار مجرمانه مرتکب:** رفتار مادی این جرم تحصیل است. مراد قانونگذار از این واژه معنی اصطلاحی آن است که از معنی لغوی آن دور نیست و همان بدست آوردن و کسب کردن مال است. با این قید که طریق و شیوه آن نامشروع باشد.

**موضوع جرم:** موضوع این جرم وجه یا مال است. منظور از وجه هر وجه نقدی و یا پول اعم از وجه رایج ایران یا ارز خارجی است. مال هر چیزی است که برای بشر مفید باشد و بتواند یکی از نیازهای وی را برآورد. با توجه به این که مال در ماده ی مذکور به صورت مطلق به کار رفته است شامل مال منقول و غیر منقول می باشد. تحقیقاً وسیله ی تحصیل مال مانند چک، برات و ... مال نیست مگر اینکه برای دارنده آن عرفاً دارای ارزش اقتصادی باشد، که در این صورت می تواند موضوع چنین جرمی قرار گیرد. چون تحصیل حقوقی مال ملاک است نه تحصیل فیزیکی که می تواند متفرع بر آن باشد.

**نامشروع بودن تحصیل مال:** در مباحث حقوقی و در مقام تفسیر برخی گفته اند که با توجه به قید «قانونی» که در ادامه ماده آمده است باید فاقد مشروعیت را منصرف به موارد خلاف قانون دانست (باقرزادگان و میرزائی، ۱۳۹۲، ص ۸۱۹). به نظر منظور از طریق فاقد مشروعیت، به دست آوردن مال با تخلف از ضوابط تعیین شده برای مرتکب جهت توزیع کالاهاست، به ویژه با تدقیق در ماده ی مذکور قابل استنباط است طرفی که به شخص مرتکب این جرم ضوابطی را برای توزیع کالاها تعیین میکند نوعی وابستگی به دولت دارد، یعنی طرف شخص مذکور دولت است که به او یک سری اختیاراتی می دهد و او از آن سوء استفاده کند و یا مرتکب تقلب شود و یا به نوعی در تحصیل مال بر خلاف آن ضوابط عمل نماید. پس منظور از ذیل ماده مذکور، تحصیل مال توسط شخصی است که به او اختیاراتی از سوی دولت داده شده است و نامشروع بودن به معنی تخلف از ضوابط تعیین شده است.

**تفویض اختیار از سوی دولت:** از شرایط و اوضاع و احوال دیگر رکن مادی این جرم تفویض اختیار از سوی دولت به مرتکب جهت انجام یک سری امور است. به طوری که این جرم از سوی یک شخص دیگر قابل تحقق نیست چون مبنای جرم انگاری این عمل، جلوگیری از سوء استفاده از اختیارات اعطایی است. در واقع اشخاص دارای چنین اختیاراتی به نمایندگی از سوی دولت عمل می کنند و بایستی عمل خود را به جد انجام دهند، بنابراین مرتکب این جرم باید شخصی باشد که اختیاراتی از سوی دولت به او داده شده است. با توجه به اینکه در صدر این ماده مقرر شده است که «... به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می گردد...» و با عنایت به اینکه این تفویض جز توسط یک نهاد که به دولت وابسته باشد و صلاحیت این تفویض را دارد انجام نمی شود پس باید گفت در بخش دوم ماده که مقرر می دارد: «... در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید...» طرف این شخص نهاد تعیین کننده ضوابط دولت یا یکی از نهادهای صالح وابسته به دولت باشد. در این جا ممکن است این سؤال اساسی مطرح شود که با توجه به اینکه شخص در واقع تحت نظر دولت یا یکی از سازمان های دولتی عمل میکند و با تخلف از مقررات دولتی مالی را به دست می آورد در این صورت چه تفاوتی با اختلاس خواهد داشت و با وجود ماده ی ۵ ق.ت.م.ا.ک چه نیازی به پیش بینی این عمل در ماده ای جداگانه بوده است؟ در پاسخ باید گفت که اولاً؛ در این جرم، بر خلاف جرم اختلاس، مرتکب ضرورتاً مأمور دولتی نیست، بلکه کافی است که از سوی دولت اختیاراتی را دریافت کرده که قرار بر این بوده اموری را انجام دهد. مثلاً یک شخص حقیقی و حتی یک شرکت خصوصی دارای موافقت اصولی از سوی دولت جهت واردات کالای خاصی با شرایط ویژه، کالا را وارد می کند ولی به جهت عدم رعایت آن شرایط، برای خود مالی را بیش از مبلغ قانونی تحصیل نماید. ثانیاً مواردی وجود دارد که بدون این که مشمول ماده ی ۵ ق.ت.م.ا.ک، مربوط به اختلاس، باشد مرتکب تنها بر اساس ماده ۲ همان قانون قابل تعقیب است، مانند عمل کارمندی که شکر مخصوص جیره بندی و توزیع بین اشخاص را در بازار آزاد یا به اشخاص مورد نظر خود می فروشد و قیمت رسمی را به دولت رد می کند و از تفاوت نرخ بازار سیاه سوء استفاده می کند، بدون اینکه مال دولت را تصاحب یا تملک کرده باشد. ثالثاً؛ بر اساس ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشا کلاهبرداری، مرتکب جرم اختلاس حتماً باید کارمند دولت یا بخش عمومی باشد در حالی که مرتکبین جرم تحصیل مال از طریق نامشروع لزوماً و غالباً کارمند دولت یا بخش عمومی نیستند بلکه اشخاصی هستند که بواسطه توافقاتی با دولت مجری سیاست های دولت در بخش توزیع یا اجرای این سیاست ها می باشند.



## رکن روانی جرم

جرم تحصیل مال از طریق نامشروع همانند سایر جرایم دارای رکن روانی است که متشکل از دو عنصر سوء نیت عام و سوء نیت خاص می باشد. منظور از سوء نیت عام اراده خودآگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه و در اینجا عبارت است از قصد تحصیل مال می باشد، به عبارت دیگر مرتکب باید با علم به غیر قانونی بودن عمل خود مالی یا وجهی را تحصیل کند و در تحصیل آن مال یا وجه عمد داشته باشد. یعنی باید بداند که این مال حق او نیست و این گونه به دست آوردن مال بر خلاف ضوابط تعیین شده از جمله مقررات توزیع کالا باشد. لذا هرگاه کسی به اشتباه ولی صادقانه معتقد به قانونی بودن تحصیل آن مال باشد و آن مال را تحصیل کند یا این که در حالت ناهوشیاری مثلاً در حالت بیاراده شدن ناشی از مستی شرب خمر یا تحت تأثیر هیپنوتیزم یا حتی به طریقی که قانون آن را جرم خاصی نمی داند، مالی را به صورت غیر قانونی تحصیل کند به خاطر عدم داشتن علم یا اراده مشمول این ماده قرار نمی گیرد و عمل او جرم شناخته نمی شود.

عنصر دیگر رکن روانی جرم مذکور، سوءنیت خاص یعنی قصد اضرار به «دیگری» است. اینکه دیگری چه شخصی می تواند باشد باید اذعان نمود که دیگری هر شخصی می تواند باشد اعم از حقیقی یا حقوقی، خصوصی یا دولتی، یک فرد معین یا مردم (جامعه) به طور کلی. در خصوص انگیزه ی مرتکب هم باید گفت که انگیزه شرافت مندانه نمی تواند قصد اضرار را از بین ببرد، بلکه همانند اکثر جرائم، انگیزه در اینجا مؤثر نیست و فقط می تواند با نظر قاضی طبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی یکی از موارد تخفیف مجازات باشد (شاگری و البوعلی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹-۱۱۰).

### ج) پولشویی و جرایم مربوط به سوء استفاده از ارز دولتی

پولشویی یکی دیگر از مصادیق سوء استفاده از امتیازات ویژه دولتی است که بعنوان جرمی سازمان یافته و فراملی در دهه های اخیر در اسناد برنامه های بین المللی به دنیا معرفی شده است. در پولشویی پولشویان به واسطه سوء استفاده از رانت های دولتی و اختیارات و امتیازات ویژه ای که دارند اقداماتی انجام می دهند تا پول کثیف که ناشی از اعمال مجرمانه مانند قاچاق مواد مخدر و اخاذی و کلاهبرداری و... است را از محل کسب و منشاء نامشروع آن دور نمایند تا آن را قانونی و مشروع جلوه دهند که مناسبترین راه برای این منظور وارد نمودن این پولها در سیستم های مالی و بانکی می باشد. زمانی که فرد، جرمی (قاچاق کالا، مواد مخدر، کلاهبرداری و...) مرتکب می شود و از طریق آن جرم، اموالی را به دست می آورد، همواره به دنبال راهی برای پنهان کردن ماهیت و منشاء این اموال نامشروع است، لذا اقدام به پولشویی می کند؛ در واقع پولشویی فرآیندی است که در راستای آن، در اصطلاح پول کثیف (یا همان مالی که از طریق جرم و به صورت غیرقانونی حاصل شده است) به پول تمیز یا ثروتی که در ظاهر از راه های مشروع و قانونی به دست آمده است، تبدیل می شود (به صورتی که منشاء اولیه ی آن پول مشخص نیست). طبق ماده ی ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، پولشویی به عنوان جرم شناخته شده است و عبارت است از: تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت های غیرقانونی، با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ی ارتکاب جرم به دست آمده باشد. طبق ماده ی ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، پولشویی به عنوان جرم شناخته شده است و عبارت است از: تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت های غیرقانونی، با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ی ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

طبق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی دو جرم تلقی و جمع مجازات اعمال میشود زیرا پولشویی جرمی مستقل از جرم منشاء است و این امر در تبصره ۳ ماده ۹ نیز تصریح شده است که مقرر میدارد: «مرتکبین جرم منشاء، در صورت ارتکاب جرم پولشویی، علاوه بر مجازاتهای مقرر مربوط به جرم ارتکابی، به مجازاتهای پیش بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد.» پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشاء، منبع، محل، نقل و انتقال یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ی جرم تحصیل شده باشد. همچنین طبق حقوق کیفری اسلام و منطبق با آیه ی شریفه ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...» (نساء/ ۲۹) و قاعده ی «التعريف لكل عمل محرم» می توان آن را جرم تلقی و مجازات کرد. قانون نحوه ی اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۳، به بحث ثروت های نامشروع و استرداد آن به صاحبان اصلی یا مراجع قانونی مربوطه پرداخته است و در ماده ی ۱۴ مقرر می دارد که «هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از

مقررات قانون پس از اثبات، باطل و بلااثر است و انتقال‌گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال‌دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد.»

می‌توان این ماده را تا اندازه‌ای به عنوان یکی از مصادیق پولشویی یعنی پولشویی از طریق نقل و انتقال دارایی‌ها و عواید نامشروع ناشی از جرم دانست، که به دلیل جرم‌انگاری نشدن عنوان پولشویی در آن زمان، قانون‌گذار عمل را در حکم کلاهبرداری محسوب کرده و مجازات کلاهبرداری را برای آن مقرر نموده است.

یکی از جزاهایی که در خصوص جرم پولشویی بر آن تاکید کرده‌اند، مصادره‌ی اموال و عواید حاصل از جرم است. از آنجا که هدف از پولشویی، قانونی جلوه دادن درآمدهای مجرمانه و نامشروع و درنهایت استفاده‌ی آزادانه از این درآمدهاست، محروم کردن مجرمین از این درآمدها، انگیزه‌ی ارتکاب به پولشویی و جرایم مقدم بر آن را در آنها کاهش می‌دهد. به همین دلیل نیز مصادره‌ی اموال به عنوان مؤثرترین شیوه برای مبارزه با کلیه‌ی جرایم با عواید مالی از جمله پولشویی موردتوجه قرار گرفته است. مصادره نیز به عنوان مجازات یا اقدامی تعریف شده است که توسط دادگاه، به‌دنبال رسیدگی‌های مربوط به جرم، مورد حکم قرار می‌گیرد و منجر به محرومیت قطعی از اموال می‌گردد. (در برخی اسناد، مصادره را ضبط نیز دانسته‌اند) با این حال مصادره به معنی محرومیت دائمی از دسترسی به اموال به موجب حکم دادگاه یا دیگر مراجع ذی‌صلاح است.

ماده‌ی ۹ قانون مبارزه با پولشویی عنوان می‌دارد: «مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم، مشتمل بر اصل و منافع حاصل از آن (اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن)، به جزای نقدی به میزان عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد». البته صدور و اجرای حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشا، (جرم اولیه) مشمول این حکم قرار نگرفته باشد. گرچه قانون، مصادره و ضبط اموال را به عنوان مجازات پولشویی پیش‌بینی کرده است، اما در خصوص نحوه‌ی اجرای مصادره و همچنین مصادره‌ی اموال در مواردی که جرم جنبه‌ی بین‌المللی دارد مقررات خاصی پیش‌بینی نکرده است و صرفاً در تبصره‌ی ۱ این ماده آمده است که چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهند شد.

یکی درگیر از مصادیق سوء استفاده از امتیازات ویژه دولتی، دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی و فروش آن در بازار آزاد به جای ورود کالا می‌باشد. از فروردین سال ۱۳۹۷، زمانی که قرار شد ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاها اختصاص یابد، شبکه‌ای پیچیده از توزیع رانت گسترده در اقتصاد ایران شکل گرفت. ارز ۴۲۰۰ تومانی ابتدا به همه نوع کالا اختصاص یافت و بعد از مدتی به ۲۵ نوع کالای اساسی محدود شد. اما این باعث نشد که تخلفات کمتر شده یا تغییری در توزیع رانت ایجاد شود. واردکنندگان، ارز ۴۲۰۰ تومانی را از دولت می‌گرفتند و کالای وارد شده را به قیمت ارز آزاد در بازار می‌فروختند. در حقوق کیفری ایران، این جرم مصداق «جرم خیانت در امانت و حیف و میل بیت‌المال» و «افساد فی الارض» است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مستند قانونی افساد فی الارض در این باره قسمت اخیر ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ است. در این ماده قانونی اشاره شده است: «ماده ۴- کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند، به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود». البته برای تعیین مصداق و ملاک در این باره به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ توجه شده است. (مجازات مفسد فی الارض نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اعدام است).

### نتیجه‌گیری

کنترل قضایی بر اعمال اداری یکی از مهمترین ابزارهای حاکمیت قانون است که ساز و کار اصلی آن تحدید قدرت است که به وسیله مقامات قضایی اعمال می‌شود. این نوع از نظارت به عنوان ملموس‌ترین و مؤثرترین شیوه جلوگیری از تجاوز حاکمیت

به حقوق و آزادی های عمومی اهمیت فراوان به خصوص در حوزه حقوق اداری دارد. چرا که در این حوزه مقام اداری طرف مقابل در موقعیت حقوقی یکسانی قرار نداشته و همواره بیم آن می رود که اداره از موقعیت برتر خود به اتکای قدرت عمومی سوء استفاده کند. در این نوشتار سعی شد که ضمن بررسی اشکال مختلف سوءاستفاده از اختیارات دولتی و بررسی و تحلیل در حقوق کیفری اقتصادی در ارتباط با این مفهوم، مصادیق آن مورد شناسایی و جنبه های کیفری آن به ویژه از منظر اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت.

با توجه به بررسی انجام شده مشخص شد که در سوءاستفاده از امتیازات، وجود چند رکن اساسی است: نخست، وجود صلاحیت برای مقام اداری بر طبق قانون برای عمل خاص است؛ دوم انجام عمل در محدوده صلاحیت برخلاف هدف قانون گذار و یا بدون در نظر گرفتن عوامل و ملاحظات مدنظر قانون گذار است و سوم، عنصر سوءنیت به معنای وجود علم و عمد است. در حقوق کیفری ایران به طور خاص، به جرم انگاری سوءاستفاده از امتیازات و برخی از مصادیق آن پرداخته شده که با احراز سه عنصر قانونی، مادی و روانی می توان عمل را از مصادیق مجرمانه و مشمول مجازات دانست. در حقوق اداری ایران نیز در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، طبق ماده ۱۲، سوءاستفاده از اختیارات به صراحت به عنوان یکی از جهات کنترل قضایی است که هیأت عمومی دیوان می تواند بر مبنای آن، اقدام به ابطال مصوبات نماید.

در حقوق ایران مفهوم سوءاستفاده از امتیازات به صراحت مورد تعریف و بررسی قرار نگرفته و مصادیق و اجزای آن شناسایی نشده است اما در برخی قوانین، مانند قانون مجازات اسلامی این عمل جرم انگاری شده و در برخی دیگر از قوانین مانند قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و قانون رسیدگی به تخلفات اداری، از مصادیق تخلف مقام اداری شمرده شده است. به دلیل ابهام در مفهوم و مصادیق، بررسی مصادیق و شناخت مرجع صالح برای رسیدگی به آن نیز با مشکل همراه است. در حقوق ایران قانونگذار با وضع قوانین مختلف همراه با ضمانت اجرای مشخص (از جمله: فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ - زیر عنوان تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی و ..) گام مؤثری در راستای کاهش سوء استفاده مأمورین دولت، برداشته است. یکی از این موارد سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری موضوع مواد ۵۷۶ و ۵۸۱ قانون تعزیرات مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می باشد. در ماده ۵۷۶ قانون تعزیرات و اقدامات تأمینی، سوءاستفاده تحت شرایطی می تواند جرم تلقی شده و مشمول مجازات قرارگیرد. براساس ماده ۶۷۵ چنانچه هریک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد، جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. همچنین در مورد آیین رسیدگی به این جرم مطابق قانون دیوان عدالت اداری، به منظور رسیدگی به تخلفات اداری درهریک از دستگاه های مشمول این قانون هیأت‌هایی تحت عنوان «هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» تشکیل شده است. هیأت های مزبور شامل هیأت های بدوی و تجدید نظر می باشند ( ماده ۱ ق ) و صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیأت بدوی است ( ماده ۴ ق).

جرم تحصیل مال از طریق نامشروع در راستای حمایت از اموال و مالکیت افراد به صورت گسترده و فراگیر در لابلای قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در سال ۱۳۶۷ با رویکردی عدالت محور به تصویب رسید؛ بردن مال دیگری با توسل به طرق غیر قانونی عنصر مادی جرم مذکور را تشکیل م ی دهد. قید «غیرقانونی» را باید منحصر به موارد غیر کیفری دانست، زیرا موارد کیفری به صورت خاص مورد جرم انگاری قرار گرفته است. قلمرو تحصیل مال از طریق نامشروع شامل کلیه طرق نامشروع کسب مال است با این توضیح که مواردی که به صورت خاص مورد جرم‌انگاری قرار گرفته یا می گیرد از این شمول خارج است. در این نوشتار اعتقاد بر این است که مادهی ق.ت.م.ا.ا.ک ناظر به همه ی اشخاص و به هر طریق به صورت نامشروع بدست آوردن مال نیست بلکه با توجه به اینکه مبنای جرم انگاری این ماده جلوگیری از حیف و میل اموال عمومی و سوءاستفاده ی اشخاصی که به نوعی امتیاز انجام اعمالی را برای دولت دارند می باشد، بنابراین صدر ماده مورد بحث و بخش دوم آن به صورت تمثیلی آورده شده اند و قید آخر ماده ی مذکور که تصریح می دارد؛ «یا به طور کلی مالی یا وجهی را تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی است» میتواند شامل آن دو بخش ماده (چنانچه به سبب آن جرائم، مالی تحصیل شده باشند)

بشود. در نتیجه، این عبارت عام را باید بر اساس موارد تمثیلی تفسیر کرد، یعنی عبارت مذکور باید دارای خصوصیتی باشد که در موارد تمثیلی وجود داشته باشد و آن خصوصیت بارز، انجام کار برای دولت یا نهاد وابسته به آن یا هر مؤسسه ای که اکثریت سرمایه ی آن را دولت به عهده دارد، می باشد. پس عبارت اخیر ناظر به اشخاصی است که به نوعی از دولت مجوز کاری را کسب می کنند و به واسطه ی تخلف از شرایط مقرر میان آنها و نهاد مذکور مالی را تحصیل می کنند، لذا باید چنین جرمی را در چارچوب سه جرم «ارتشاء»، «اختلاس» و «کلاهبرداری» - که در این جرائم نوعی وابستگی مرتکب به دولت و تأثیر گذاری بر سلامت نظام اداری از نظر فساد مالی وجود دارد بررسی کرد و آن را محدود به اشخاصی خاص دانست. نتیجه چنین تفسیری این است که منظور از نامشروع بودن تحصیل، تحصیل مال بر خلاف ضوابط تعیین شده از سوی دولت است. همچنین مفهوم تحصیل اعم از بدست آوردن مال به صورت فیزیکی و حقوقی است. مادهی مورد بحث از این عمل تحت عنوان تحصیل مال از طریق نامشروعیت قانونی یاد کرده است که «نامشروع» را صفت تحصیل دانسته است نه صفت مال. بنابراین اطلاق عنوان تحصیل مال از طریق نامشروع بر عمل مزبور دقیق تر از عنوان تحصیل مال نامشروع است. در نتیجه در حقوق ایران، علیرغم اعتقاد به حرمت «اکل مال به باطل» جرمی به نام تحصیل مال نامشروع که به صورت عام شامل هر شخصی باشد که به هر گونه مال نامشروع را کسب کند، وجود ندارد، در غیر اینصورت، تفسیر موسع آن خلاف تفسیر قوانین جزائی بنفع متهم در مقام شک است، بنابراین صرف تحصیل مال نامشروع جرم نیست، مگر اینکه مشمول یکی از عناوین مجرمانه جرائم علیه اموال باشد و ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس کلاهبرداری ناظر به اشخاص با امتیاز خاص دولتی است.

درنهایت می توان گفت که هرگونه اعمال و رفتاری که حیثیت و جایگاه اداری کارمندان دولت را خدشه دار کرده و موجبات نقض حقوق اشخاص و قوانین و مقررات را فراهم نماید تخلف اداری محسوب و مطابق با مواد ۸ و ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ قابل مجازات است.

#### منابع

- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ ه.ق). المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری
- انوری، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن، انتشارات سخن، چاپ اول
- باقرزادگان، امیر و میرزایی، محمدرضا. (۱۳۹۲). اهداف و قلمرو جرم انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، دوره دوم، شماره ۲۳
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۲). فرهنگ عناصر شناسی، تهران، کتابخانه گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۱). ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوازدهم
- حرّ عاملی محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البیت (ع)
- دفتر مطالعات اقتصادی. (۱۳۸۶). تحلیل فساد مالی، اقتصادی و بازرگانی تهران: معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی
- رایجیان، مهرداد. (۱۳۸۴). بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، چاپ اول
- شاکری، ابوالحسن و البوعلی، امیر. (۱۳۹۶). تحلیلی نوین از جرم تحصیل مال نامشروع در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۹۳-۱۱۴
- شاملو احمدی، محمد حسین. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، اصفهان، نشر دادیار، چاپ اول
- شیرزاد، امید. (۱۳۹۲). تحلیل و بررسی جهات ابطال مصوبات دولتی در پرتو آراء دیوان عدالت اداری، پایان نامه برای مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
- صادقی، حسین؛ صباغ کرمانی، مجید و شقاقی شهری، وحید. (۱۳۸۷). بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴، صص ۲۳۶-۲۰۷
- قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲
- قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

- لانگست، پیترو و همکاران. (۱۳۸۷). برنامه های جهانی مبارزه با فساد، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- معین، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی معین، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و سوم
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۲). پولشویی و ارتباط آن با جرایم دیگر مجموعه سخنرانی ها و مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی شیراز: وفاق
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۶). حقوق کیفری اقتصادی؛ جرایم علیه امنیت و آرامش، عمومی، چاپ نهم، تهران: میزان
- نجابت خواه، مرتضی. (۱۳۸۸). مفهوم سوءاستفاده از اختیارات در نظام حقوقی کامن لا، حقوق و مصلحت، سال دوم، شماره ۵، ص ۹۱

- Barentt Hilaire, Constitutional and Administrative Law, (London, Routledge- Cavendish, ed.6, 2007), 766
- Sydney: David Stott & Alexandra Felix, Principles of Administrative Law, (London, Bradley, Constitutional and E.C.S Wade & A.W.؛Cavendish Publishing Ltd, ed.1, 1997),p 82
- A.W Bradely & ؛Longman, 11th ed, 1993),p 678 Administrative Law, (London, New York: and Administrative Law, (London, New York: Longman, ed. K.P Ewing, Constitutional